

علل گرایش فارغ‌التحصیلان رشته‌های هنری به تحصیلات تکمیلی در ایران از دیدگاه تحلیل لایه‌ای علت‌ها

فاطمه شاهرودی*

استادیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۱۳؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۵/۰۸)

چکیده

مقاله حاضر با هدف تحلیل علل گرایش فارغ‌التحصیلان رشته هنر به تحصیلات تکمیلی در دهه ۹۰ و با استفاده از روش تحقیق آمیخته انجام شده است. در این روند ابتدا عوامل مؤثر به کمک مطالعات کتابخانه‌ای و روش تحلیل مضمون استخراج شده و براساس روش «تحلیل لایه‌ای علت‌ها» در چهار لایه «لیتانی»، «علل اجتماعی»، «جهان بینی / گفتمان» و «استعاره» تحلیل شد. در بخش کمی، لایه‌های به‌دست‌آمده با هدف رتبه‌بندی عوامل مؤثر به وسیله ابزار پرسشنامه و انتخاب ۳۰ نفر از خبرگان مرتبط با دوره‌های تحصیلات تکمیلی هنر در دانشکده‌های تهران مورد سنجش قرار گرفت. نتایج دو آزمون تی و فریدمن نشان می‌دهد که سه عامل اولیه مؤثر در گرایش فارغ‌التحصیلان رشته هنر به تحصیلات تکمیلی، به ترتیب شامل عوامل گفتمان، اقتصادی و فرهنگی می‌شود. سیاست‌های آموزش عالی، کهن‌الگو، استعاره، عوامل هنری، عوامل فردی و خانوادگی، علاقه به کسب دانش و تخصص و در انتها عامل جهان‌بینی نیز رتبه‌های چهارم تا دهم را کسب کردند. همچنین کسب مدرک علمی بالاتر که به دلیل ماهیت رشته هنر بر وضعیت اقتصادی و شأن اجتماعی هنرمندان مؤثر بوده، انگیزه‌هایی قوی‌تر از علم‌جویی و پژوهش در گرایش این قشر به تحصیلات تکمیلی است.

واژه‌های کلیدی

رشته هنر، تحصیلات تکمیلی، تحلیل لایه‌ای علت‌ها، سهیل عنایت‌الله، آینده‌پژوهی هنر.

* تلفن: ۰۹۱۲۱۸۶۶۳۰۱، نمابر: ۰۲۱-۲۲۸۵۳۹۹۴، E-mail: pajooeshonar@yahoo.com

مقدمه

مقاله و آثار مکتوب نوشتاری به‌عنوان مهم‌ترین نوع برونداد به شمار می‌رود» (صمدی و همکاران، ۱۳۹۷، ۷۸). با توجه به تفاوت رشته هنر با سایر حوزه‌ها به نظر می‌رسد توجه و مطالعه در زمینه علل گرایش دانشجویان هنر به دوره‌های تحصیلات تکمیلی امکان‌سنجش و تصمیم‌گیری‌های بهتری را برای سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در حوزه هنر را فراهم می‌آورد. در راستای جست‌وجو و مطالعه علل مذکور، روش «تحلیل لایه‌ای علت‌ها»^۱ که «شیوه‌ای از انجام پژوهش‌های دانشگاهی و شالوده‌شکنی به منظور جست‌وجوی علتی ژرف‌تر است» (عنایت‌الله^۲ و میلوپه ویچ^۳، ۱۳۹۵، ۴۳) به‌عنوان چارچوب نظری انتخاب شد. روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها که به اختصار CLA نامیده می‌شود در دهه ۹۰ میلادی توسط سهیل عنایت‌الله، آینده پژوه و پژوهشگر پاکستانی‌ال‌اصل اهل استرالیا، بنا نهاده شد. اگرچه عنایت‌الله یک آینده پژوه است اما همان‌طور که خود ذکر می‌کند از این روش برای بررسی علل پدیده‌ها در زمان حال نیز می‌توان بهره برد (عنایت‌الله، ۱۹۹۸، ۸۱۶). دلایل ظهور یک پدیده در چارچوب‌بندی روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها در چهار دسته یا سطح طبقه‌بندی می‌شود. هر یک از این دسته‌ها در این روش، «لایه» نامیده می‌شوند. لایه نخست که لیسانی^۴ یا لایه عینی نام دارد شامل توضیح وضعیت مشهود پدیده مورد نظر می‌شود. در لایه دوم، علل اجتماعی^۵ ظهور یک پدیده مشتمل بر علل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی مورد توجه قرار می‌گیرد. جهان‌بینی^۶ و گفتمان‌های^۷ مؤثر در لایه سوم کنکاش شده و در لایه آخر، ابعاد ناخودآگاه تأثیرگذار مانند اسطوره‌ها^۸، استعاره‌ها^۹ بررسی می‌شود. در واقع روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها «جایگاه‌های معرفتی متفاوتی را مطرح می‌سازد اما آن‌ها را در سطوح مختلف دسته‌بندی می‌کند» (عنایت‌الله، ۱۳۹۵، ۱۰۱). از این رو، علت انتخاب این روش در مقاله حاضر تأکید آن بر طیفی از علل و لایه‌های مختلف تأثیرگذار در بررسی یک پدیده است. در مقاله پیش رو سعی شده است تا از دیدگاه «تحلیل لایه‌ای علت‌ها» به این پرسش پاسخ داده شود که علل گرایش فارغ‌التحصیلان هنر به دوره‌های تحصیلات تکمیلی چیست و کدام علت‌ها مؤثرترند.

ایران از جمله کشورهایی است که در دهه‌های اخیر در زمینه ایجاد دوره‌های تحصیلات تکمیلی رشد قابل توجهی داشته است. در حیطه هنر این امر شامل افزایش تعداد دانشگاه‌ها، رشته‌ها، پذیرش بیشتر دانشجویان و افزایش جذب هیات علمی در دو دهه هشتاد و نود می‌شود. توسعه تحصیلات تکمیلی در رشته هنر در برخی موارد بیشتر از سایر رشته‌ها بوده است. به‌عنوان نمونه مطالعه زراعت‌کیش و کلهر نشان می‌دهد که بالاترین رشد دانشجویان تحصیلات تکمیلی بین سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ در مقطع کارشناسی ارشد مربوط به گروه تحصیلی هنر با رشدی حدود ۳۹۶ درصد بوده است (زراعت‌کیش و کلهر، ۱۳۹۷، ۱۳). اما توسعه کمی تحصیلات تکمیلی در چند دهه اخیر چندان مطلوب به نظر نمی‌رسد. چراکه «با توجه به عدم تحقق شاخص‌های کیفی توسعه آموزش عالی، [..] می‌توان این توسعه را نامتوازن تلقی کرد» (همان، ۲). برنامه‌ریزی جهت ایجاد توازن در وجوه کمی و کیفی رشد تحصیلات تکمیلی مستلزم شناخت ابعاد مختلف این پدیده به‌ویژه عوامل و دلایل گرایش دانشجویان به تحصیل در مقاطع بالاتر است. از جمله عواملی که در بررسی علل گرایش دانشجویان به تحصیلات تکمیلی باید مورد توجه واقع شود تفاوت رشته‌های مختلف و ماهیت آنهاست. «تفاوت موجود میان رشته‌ها، به عوامل مختلفی باز می‌گردد که ریشه اصلی اکثر آنها، تفاوتی است که در نوع نگاه رشته‌ها و همچنین در روش‌های مورد استفاده و ماهیت رشته‌ها وجود دارد. همین تفاوت‌ها سبب بروز رفتارهای علمی [..] متفاوتی در رشته‌های مختلف نسبت به یکدیگر می‌شود» (صمدی، ۱۳۹۹، ۱). رشته هنر از جمله حوزه‌هایی است که به دلیل تفاوت آن با دیگر حوزه‌های تخصصی چون پزشکی، مهندسی و علوم انسانی مورد بررسی پژوهشگران واقع شده است. به‌عنوان مثال مطالعات نشان می‌دهد ماهیت و ذات هنر باعث شده «نوع برونداد غالب و نیز نوع استناد و رفتارهای استنادی این حوزه با سایر حوزه‌های علوم، بسیار متفاوت باشد. برگزاری نمایشگاه‌های هنری و خلق آثار هنری بدیع جزء مهم‌ترین انواع بروندادها در رشته نقاشی محسوب می‌شود، این در حالی است که در بسیاری دیگر از حوزه‌های علوم،

روش پژوهش

تحصیلات تکمیلی هنر بهره گرفته شد. علل مؤثر که در چهار لایه پیشنهادی عنایت‌الله طبقه‌بندی شده بود به‌صورت پرسشنامه و در قالب طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت به شرکت‌کنندگان داده شد. به منظور بررسی تأثیرگذاری متغیرهای مربوط به سؤال‌ها از آزمون تی-تک‌نمونه‌ای استفاده شد. همچنین اولویت‌بندی عوامل نیز به کمک آزمون فریدمن انجام شد. افراد خبره با توجه به نقش آنها در دوره‌های تحصیلات تکمیلی به چهار دسته مدیران گروه، اساتید، استاد-دانشجو (دانشجویان دوره دکتری که در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس داشته‌اند) و دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد تقسیم شدند. نظر به تمرکز دانشکده‌های هنری در تهران، انتخاب افراد خبره از دانشکده‌های این شهر انجام پذیرفت که شامل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشگاه علوم و تحقیقات، واحد الکترونیک دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه معماری و هنر پارس، دانشگاه الزهراء، دانشگاه سوره و دانشگاه تهران بوده است. تأکید پژوهش حاضر از لحاظ رشته‌های هنری بیشتر بر هنرهای بصری و نمایشی بوده و رشته‌های

روش پژوهش حاضر از دیدگاه تجزیه و تحلیل اطلاعات از نوع آمیخته بوده و از نظر ماهیت به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است. شیوه گردآوری مطالب نیز با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و میدانی بوده است. بخش کیفی براساس مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته، سپس با استفاده از روش تحلیل مضمون کدهای اولیه عوامل تأثیرگذار بر گرایش فارغ‌التحصیلان هنر به تحصیلات تکمیلی شناسایی گردید. در گام بعدی به کمک نرم‌فزار/کسل کدهای مذکور به کدهای گزینشی و محوری تفکیک گردیده و خروجی آن در ۱۰ عامل تأثیرگذار اصلی و ۲۵ عامل فرعی مشخص شد. سپس، عوامل مؤثر به‌دست آمده براساس تحلیل لایه‌ای علت‌ها در چهار لایه لیسانی، علل اجتماعی، جهان‌بینی و گفتمان و اسطوره و استعاره مورد تحلیل قرار گرفت. در بخش دوم مقاله با هدف اولویت‌بندی و مشخص شدن تأثیرگذارترین عوامل به‌دست آمده، از روش کمی و توزیع پرسشنامه میان خبرگان استفاده شد. در این راستا از نظرات ۳۰ نفر از افراد مرتبط با دوره‌های

معماری و موسیقی خارج از محدوده این مطالعه بوده است.

پیشینه پژوهش

اما نمی‌تواند به تنهایی و به‌عنوان یک ابزار کامل، تمامی پروسه طراحی را پوشش دهد» (ژدری و همکاران، ۱۳۸۹، ۵۷). خزایی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «واکاوی پدیده آواتاریسم با روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها» مواردی چون رشد فناوری، تنوع‌طلبی و سرگرم‌سازی در لایه اول، نیاز به ارتباط و جذابیت‌های اقتصادی و اجتماعی در لایه دوم، انسان‌محوری در لایه سوم و قهرمان‌سازی در لایه چهارم نظریه عنایت‌الله را از جمله علل شکل‌گیری و گسترش پدیده آواتاریسم در دنیای معاصر می‌دانند (خزایی و همکاران، ۱۳۹۴، ۲۷). صدقاتی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «ارائه سناریوهای استعاره خانه در سبک نوین زندگی شهری مبتنی بر روش CLA» به سناریونگاری در ارتباط با مفهوم خانه و خلق آینده بدیل پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش چهار سناریو شامل «خانه هوشمند، خانه به‌عنوان یک ابر دیجیتال، خانه انسانی و خانه متحرک است» (صدقاتی و همکاران، ۱۳۹۸، ۸۸). در مقاله بلالی اسکویی و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان «تحلیل لایه‌ای علت‌های تغییر مفهوم محله در ارتباط با حس تعلق و ارائه سناریوهای بدیل» براساس «استعاره‌های بدیل از مفهوم محله، چهار سناریوی محله هوشمند، محله جهانی، محله پایدار و محله منعطف ارائه شده‌اند» (بلالی اسکویی، ۱۳۹۸، ۶۵).

مبانی نظری پژوهش

چارچوب نظری مقاله حاضر بر مبنای نظریه «تحلیل لایه‌ای علت‌ها» بنا شده که در اوایل دهه ۱۹۹۰ توسط سهیل عنایت‌الله مطرح و در سال ۱۹۹۸ به شکل مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل لایه‌ای علت‌ها: پساساختارگرایی به‌عنوان یک روش» (عنایت‌الله، ۱۹۹۸) در مجله فیوچرز^۱ منتشر شد. همان‌طور که خزایی و همکاران نیز بیان می‌کنند تحلیل لایه‌ای علت‌ها بر این فرض استوار گشته که روش چارچوب‌بندی و صورت‌دهی به یک مسأله می‌تواند به تغییر در راه‌حل و همچنین بازبگرن مسئول ایجاد تحول، بیانجامد (خزایی و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۰۱). «روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها از ما می‌خواهد فراتر از چارچوب‌بندی متعارف مسائل حرکت کنیم. به‌طور مثال تحلیل علمی عادی در لایه دوم قرار دارد و گاهی اوقات وارد مرحله سوم می‌شود و به‌ندرت به سطح چهارم (اسطوره و استعاره) می‌رسد» (عنایت‌الله، ۱۳۹۵، ۱۰۸). از این‌رو، تحلیل لایه‌ای علت‌ها روشی کاربردی برای «طراحی سیاست‌های مؤثرتر، جامع‌تر، عمیق‌تر و بلندمدت‌تر است» (خزایی و همکاران، ۱۳۹۵، ۸۸). عنایت‌الله علت ظهور یک پدیده را در چهار لایه بررسی می‌کند که به ترتیب زیر است:

لایه اول: لیتانی

در لایه اول که لیتانی نام دارد وضع مشهود و دیدگاه‌های رسمی و پذیرفته شده پدیده یا واقعیت بررسی می‌شود. این بخش سطحی‌ترین لایه بوده و «فهم آن نیاز به مهارت‌های تحلیلی خاصی ندارد» (حسینی مقدم،

در خصوص علل و عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به تحصیلات تکمیلی پژوهش‌های متعددی انجام شده است اما هیچ‌کدام به حوزه هنر اختصاص نیافته است. از این رو نزدیک‌ترین مطالعه به مقاله حاضر به پژوهش نوروزی سید حسینی (۱۳۹۹) مربوط می‌شود که علاوه بر پرداختن به مقطع تحصیلات تکمیلی در بکارگیری رویکرد تحلیل لایه‌ای علت‌ها نیز با مقاله حاضر اشتراک دارد. وی در مقاله خود با عنوان «تحلیل تصویر ذهنی دانشجویان کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی از ادامه تحصیل در مقطع دکتری (رویکردی مبتنی بر تحلیل لایه‌ای علت‌ها)» به این نتیجه دست یافته است که سه تصویر ذهنی از ادامه تحصیل در مقطع دکتری و در نتیجه سه دسته از دانشجویان وجود دارند که شامل «ادامه تحصیل دهندگان ناچار، ادامه تحصیل دهندگان دلباخته علم و ادامه تحصیل دهندگان ریسک‌کننده» می‌باشد (نوروزی سید حسینی، ۱۳۹۹، ۱۹۷). همچنین در زمینه علل گرایش دانشجویان به تحصیلات تکمیلی می‌توان به مقاله مهدی‌زاده و هاشمی (۱۳۹۸) با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی برای تحصیل در مقطع دکتری (مورد مطالعه: دانشجویان دکتری دانشگاه‌های تهران)» اشاره کرد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد «میان متغیرهای نظام ارزشی، تغییرات اجتماعی، فشار اجتماعی و انگیزه بهبود وضعیت شغلی با تقاضا برای تحصیل در مقطع دکتری رابطه مثبت معناداری وجود دارد» (مهدی‌زاده و هاشمی، ۱۳۹۸، ۸۱۹). کرمی و همکاران (۱۳۹۶) نیز در مقاله‌ای در خصوص شناسایی و ارزیابی عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی در خصوص دانشجویان تحصیلات تکمیلی پردیس دانشکده فنی دانشگاه تهران به این نتیجه رسیده‌اند که «عوامل اقتصادی بیشترین اهمیت و عوامل فرهنگی و اجتماعی کم‌ترین اهمیت» را در این خصوص دارند (کرمی و همکاران، ۱۳۹۷، ۳۶). همچنین مطالعه‌ای در دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس توسط زراعت‌کیش و کلهر (۱۳۹۷) در خصوص گسترش دوره‌های تحصیلات تکمیلی در ایران (۱۳۹۵-۱۳۸۵) انجام شده است. بخشی از نتایج این گزارش بر رشد کمی تحصیلات تکمیلی در بازه زمانی فوق تأکید کرده و این توسعه را با توجه به عدم تحقق شاخص‌های کیفی توسعه آموزش عالی، ناموزون تلقی می‌کند (زراعت‌کیش و کلهر، ۱۳۹۷، ۲).

پژوهش‌های اندکی در حوزه هنر ایران با تکیه بر روش «تحلیل لایه‌ای علت‌ها» انجام شده است که یکی از نخستین آنها به مقاله ژدری و همکاران (۱۳۸۹) با عنوان «به سوی راهکاری برای طراحی فرهنگ‌محور» مربوط می‌شود. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که کاربرد روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها «در طراحی فرهنگ محور محصولات، بسیار موفق بوده و به شکلی سامان‌یافته ذهن طراح را به سمت ملاحظات فرهنگی سوق می‌دهد [...]»

جدول ۱- مشخصه‌های جمعیتی خبرگان.

نقش مرتبط با دوره های تحصیلات تکمیلی	میزان تحصیلات	تعداد
مدیران گروه	دکتری	۱۰
اساتید	دکتری	۱۰
استاد- دانشجویان	دانشجوی دکتری	۷
دانشجویان	دانشجوی کارشناسی ارشد	۳

که از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل مضمون به دست آمده بود با استفاده از روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها تحلیل شده است.

لایه اول: لیتانی

الف) سیاست‌ها و برنامه‌ریزی آموزش عالی

در سطحی‌ترین لایه به نظر می‌رسد رشد و گسترش مراکز دانشگاهی در شهرها و تأسیس رشته‌های متنوع در مقاطع تحصیلات تکمیلی باعث شده که انگیزه و امکان پذیرش دانشجویان برای ادامه تحصیل بیشتر شود. براساس یک مطالعه انجام شده تعداد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی دولتی و غیردولتی در کشور از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ بیش از ۴/۵ برابر شده است. از سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵-۱۳۹۴ تعداد دانشجویان کارشناسی ارشد حدود ۶/۵ برابر و تعداد دانشجویان دکتری تخصصی بیش از پنج برابر شده است (زراعت کیش و کلهر، ۱۳۹۷، ۱-۲). چند دهه پیش، تعداد دانشکده‌های هنر در شهرهای مهم مانند تهران از انگشتان یک دست نیز افزون‌تر نبود و در بسیاری از شهرها حتی یک دانشکده هنر نیز وجود نداشت. اما پس از توسعه آموزش عالی و تأسیس مراکز دانشگاهی چون دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه‌های غیرانتفاعی، دانشگاه‌های علمی کاربردی و سایر مراکز آموزش عالی که شعبه‌های آنها در سراسر ایران گسترش یافت، امکان ورود بیشتر علاقه‌مندان به تحصیل در رشته‌های هنری فراهم شد. در رشته هنر گسترش رشته‌های تحصیلات تکمیلی با دوره دکتری و کارشناسی ارشد رشته «پژوهش هنر» در دهه هفتاد شمسی آغاز شد. در دهه‌های هشتاد و نود، گسترش رشته‌های مقطع دکتری هم‌چون فلسفه هنر، هنرهای اسلامی، تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، تئاتر و طراحی صنعتی و همچنین افزایش تنوع رشته‌های کارشناسی ارشد هنر بر اشتیاق دانشجویان برای ادامه تحصیل افزود. همچنین توسعه دانشکده‌های هنر دانشگاه آزاد اسلامی در تهران و سایر شهرها موجب تسهیل ورود تعداد بیشتری از علاقه‌مندان برای تحصیل در مقاطع بالاتر شد. از سوی دیگر، رشد و توسعه تحصیلات تکمیلی باعث می‌شود که تحصیل در مقطع کارشناسی چندان برای متقاضیان کافی و راضی‌کننده به نظر نرسیده و تحصیلات دانشگاهی بیشتر در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری معنای واقعی خود را بازیابد. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد رشد روزافزون دانشگاه‌ها در شهرهای مختلف و همگانی شدن تقریبی آموزش دانشگاهی موجب انتقال حد متوسط تحصیلات از دیپلم به کارشناسی شده است.

ب) علاقه به کسب دانش و تخصص

به موازات تأسیس دانشکده‌ها و رشته‌های تحصیلات تکمیلی هنر می‌توان علاقه دانشجویان به کسب دانش و تخصص بیشتر در زمینه رشته‌ای خاص در هنر را نیز از جمله عوامل و انگیزه‌های مؤثر در ادامه تحصیل دانست. به عنوان مثال علاقه به کارگردانی یا بازیگری می‌تواند انگیزه‌ای برای ادامه تحصیل در مقاطع بعدی باشد. از سوی دیگر علاقه به ادامه تحصیل تا حدی ریشه در ماهیت و برنامه‌درسی رشته‌های هنری و تفاوت آن با سایر رشته‌ها دارد. هدف از تحصیل در رشته هنر تولید آثار هنری است بنابراین بخش عمده‌ای از واحدهای درسی در مقطع کارشناسی به دروس عملی و کارگاه‌ها اختصاص می‌یابد. به عبارت دیگر سهم دروس نظری نسبت به دروس عملی در حوزه هنر نسبت به سایر رشته‌ها بسیار اندک است.

۱۳۸۹، ۱۷۶). بنابراین در این سطح توصیف و توضیحی عمومی از مسئله یا واقعیت ارائه می‌شود. معمولاً بخشی از توصیف و اطلاعات ارائه شده در لایه لیتانی برگرفته از اخبار و اطلاعاتی است که «توسط رسانه‌های خبری ارائه می‌شود» (دیبا و همکاران، ۱۳۹۹، ۱۲۶).

لایه دوم: علل اجتماعی یا سیستمی

در این سطح، پدیده مورد نظر عمیق‌تر از لایه قبلی مورد توجه قرار گرفته و علت‌های اجتماعی آن در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بررسی ساختارهای مختلف مذکور «به معنای تمرکز بر ماهیت چندبُعدی موضوع پژوهش، دوری از سطحی نگری و پذیرش پیچیدگی وقایع از سوی پژوهشگر است» (نظری و صیادی، ۱۳۹۹، ۲۳۰).

لایه سوم: جهان بینی و گفتمان

در لایه سوم علل عمیق‌تر و بنیادی‌تر یک پدیده یا مسئله در محدوده جهان‌بینی و گفتمانی که به آن مشروعیت می‌بخشد مورد واکاوی قرار می‌گیرد. همان‌طور که عنایت‌الله بیان می‌کند در این سطح ساختارهای عمیق‌تر اجتماعی، زبانی و فرهنگی جست‌وجو می‌شود که مستقل بوده و به افراد یا بازیگران وابسته نیست (عنایت‌الله، ۱۳۹۵، ۱۰۷). به عنوان نمونه می‌توان به این امر پرداخت که چگونه یک جهان بینی مذهبی از رشد جمعیت پشتیبانی کرده و آن را ایجاد می‌کند.

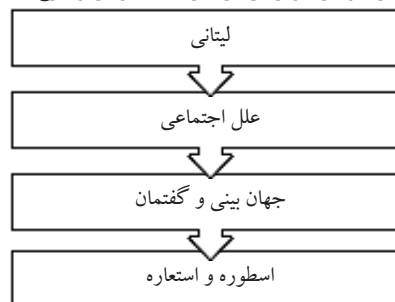
لایه چهارم: اسطوره و استعاره

لایه چهارم ژرف‌ترین سطح تحلیل است که «لگوه‌های ذهنی ما را نمایان می‌سازد» (لسان طوسی و همکاران، ۱۳۹۹، ۳۲۲). این لایه به انگیزه‌هایی که ریشه در لایه‌های عمیق ذهن و ناخودآگاه داشته می‌پردازد و علل عمیق‌تر یک مسئله را از طریق اسطوره‌ها، استعاره‌ها، کهن‌الگوها، ضرب‌المثل‌ها، شعر، داستان و تصویر جست‌وجو می‌کند. عوامل مؤثر در این لایه به باور عنایت‌الله بیشتر ریشه در احساس و عواطف افراد داشته و کم‌تر به جنبه‌های عقلانی و اندیشه ورز آنها مرتبط است (عنایت‌الله، ۱۹۹۸، ۸۲۰). در واقع عوامل مطرح شده در سطح چهارم، «به شیوه‌ای ناخودآگاه، به شکل‌گیری جهان‌بینی و گفتمان مسلطی که به وجود آورنده علت‌های اجتماعی و مسئله عینی شده است کمک می‌کند» (حسینی مقدم، ۱۳۸۹، ۱۷۷).

تحلیل

۱- تحلیل کیفی

در این بخش عوامل مؤثر در گرایش دانشجویان و فارغ‌التحصیلان هنر



نمودار ۱- لایه‌های چهارگانه از سطح به عمق.

هستند وجود دارد. علاوه بر این، هر چه فرد مدارج علمی بالاتری را طی کرده باشد احتمال کسب «موقعیت شغلی بهتر»، هم‌چون تدریس در مراکز دانشگاهی و مؤسسه‌های هنری دولتی و خصوصی معتبر دست‌یافتنی‌تر می‌شود. افزایش حقوق و مزایای شغلی نیز از دیگر مزایای تحصیل در دوره‌های تحصیلات تکمیلی و کسب مدارک و مدارج علمی بالاتر است. «حقوق بیشتر در صورت مدارک بالاتر» از جمله قوانینی است که در حیطه هنر نیز صادق است. علاوه بر این، بهره‌مندی از بسیاری از بودجه‌ها، وام‌ها و امکانات برای تولید و عرضه آثار هنری، تأسیس آموزشگاه‌ها، نگارخانه‌ها و کارگاه‌های هنری نیازمند مدارک علمی بالاتر بوده یا تسهیل‌کننده شرایط است.

ب) عوامل فرهنگی

«آموزش عالی در همه دنیا علاوه بر ابعاد اقتصادی و تربیت‌نیروی انسانی دارای یک لبه شخصی و فرهنگی نیز می‌باشد. [...] این لبه فرهنگی در مورد همه داوطلبان ورود به دانشگاه صرف‌نظر از جنسیت آنها صادق است» (قانع‌راد و خسروخاور، ۱۳۸۵، ۱۳۳). پس از تأسیس و توسعه مراکز دانشگاهی و آموزش عالی در ایران، بخشی از شان و منزلت اجتماعی افراد براساس مدرک و میزان تحصیلات آنها سنجیده می‌شود. اما همان‌طور که ذکایی و اسماعیلی بیان می‌کنند ذهنیت و گفتمان غالب جامعه در سلسله‌مراتب اجتماعی و ارزش‌یابی علوم برای رشته‌های فنی و پزشکی اعتبار و ارزش بیشتری قائل است (ذکایی و اسماعیلی، ۱۳۹۰، ۷۷). این امر در مورد رشته هنر بیش از سایر رشته‌ها صدق می‌کند. چرا که غالباً هنر نسبت به رشته‌های پزشکی، مهندسی و علوم انسانی از درجه و اعتبار کم‌تری در فرهنگ و عرف ایرانی برخوردار است. از سوی دیگر، در بسیاری از رشته‌ها وجود القابی چون «دکتر» و «مهندس» در ابتدای نام افراد یکی از عوامل افزایش‌دهنده شأن و جایگاه اجتماعی در جامعه محسوب می‌شود. بنابراین فارغ‌التحصیلان رشته‌های هنری با ادامه تحصیل تا مقطع دکتری می‌توانند از شأن و اعتبار عنوان «دکتر» در جامعه بهره‌برده و توجه بیشتری را به‌عنوان یک هنرمند کسب کنند. پایگاه و شأن اجتماعی و فرهنگی بالای برخی رشته‌ها در جامعه باعث می‌شود بسیاری از متقاضیان و علاقه‌مندان به رشته‌های هنری برای تحصیل در دانشگاه چندان از تأیید و همراهی خانواده‌های خود برخوردار نبوده و گاهی بر خلاف خواست والدین خود، مبنی بر شرکت در کنکور رشته پزشکی یا رشته‌های مهندسی، برای ورود به رشته‌های هنری تلاش می‌کنند. از این‌رو، تحصیل در مقاطع بالاتر بخصوص دوره دکتری در هنر می‌تواند بخشی از انتظار و خواست خانواده آنها را در خصوص کسب شأن اجتماعی بالاتر جبران کند. در واقع، مدرک دکتری در رشته هنر می‌تواند هم‌چون نمادی از موفقیت در راهی باشد که فرزندان بر خلاف میل والدین خود آن در پیموده بودند. عطش منزلت «در هر کدام از حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی که وارد شده و هر جا که نفوذ یافته اهداف نخستین هر عملی را ثانویه گردانیده است» (شالچی، ۱۳۹۲، ۳۳). به این ترتیب، اعتبار تولید اثر هنری به‌عنوان هدف اصلی فعالیت در حوزه هنر تحت‌الشعاع اعتبار تحصیل در دوره تحصیلات تکمیلی قرار گرفته و کسب مدارک بالای دانشگاهی ارزشی معادل و گاهی بالاتر از توانمندی در آفرینش هنری پیدا می‌کند.

ج) عوامل فردی و خانوادگی

در مقطع تحصیلات تکمیلی هنر، تمام دروس رشته‌های دکتری، برخی رشته‌های نظری کارشناسی ارشد مانند پژوهش هنر و همچنین بخشی از واحدهای سایر رشته‌های ترکیبی کارشناسی ارشد (دارای واحدهای عملی و نظری) مانند رشته نقاشی به واحدهای نظری اختصاص دارد. بنابراین دانشجویان علاقه‌مند به مباحث نظری مانند تاریخ هنر، فلسفه هنر، نقد هنر، جامعه‌شناسی هنر می‌توانند وارد دوره‌های تحصیلات تکمیلی به‌ویژه دوره دکتری شوند. علاقه به تحقیق و پژوهش نیز انگیزه دیگری برای ادامه تحصیل محسوب می‌شود. تولید آثار هنری به‌عنوان هدف اصلی رشته هنر به تفاوت بروندهای این رشته نسبت به سایر رشته‌ها انجامیده است. همان‌طور که مطالعات صمدی و همکاران نشان می‌دهد تولیدات علمی غالب برای فارغ‌التحصیلان هنر از جنس کتاب، مقاله و سایر انواع متون علمی نمی‌باشد. در واقع بروندهای غالب از نوع برگزاری نمایشگاه‌های نقاشی، خوشنویسی، آهنگسازی یا کارگردانی و بازیگری تئاتر و سینما است (صمدی و همکاران، ۱۳۹۶؛ صمدی و همکاران، ۱۳۹۸؛ صمدی، ۱۳۹۹). از این رو دوره‌های تحصیلات تکمیلی به‌ویژه دکتری می‌تواند برای افرادی که مایلند تخصص و مهارت‌های خود در زمینه پژوهش را افزایش دهند مفید واقع شود.

لایه دوم: علل اجتماعی

در لایه دوم مسئله پژوهش از جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی و هنری بررسی می‌شود. در این سطح علل مورد بررسی به‌صورت عواملی «مرتبط با هم، معنادار و مبتنی بر ساخت‌های به هم پیوسته تلقی می‌شوند» (نظری و صیادی، ۱۳۹۹، ۲۱۹). به عبارت دیگر، علل مورد بحث الزاماً به‌طور مستقل مطرح نبوده و ممکن است در شکل‌گیری یکدیگر سهیم باشند.

الف) عوامل اقتصادی

این مسئله که آیا کار هنری یک شغل مانند سایر شغل‌ها در جامعه محسوب می‌شود همیشه محل مناقشه و بحث بوده است. برای بسیاری چندان معقول نیست که فردی شغل خود را نقاش یا مجسمه‌ساز اعلام کند. در این میان برخی رشته‌های هنری مانند طراحی گرافیک یا کارگردانی به دلایلی چون کاربردی بودن، داشتن مخاطب انبوه، شیوه تولید جمعی و تبعیت از قواعد تولید و عرضه در بازار کار، بیش از رشته‌های دیگر هنری چون نقاشی و مجسمه‌سازی به‌عنوان شغل در جامعه پذیرفته شده‌اند. اما اگر کار هنری نیز به‌عنوان یک شغل پذیرفته شود، همیشه این نگرانی وجود دارد که هنرمند نتواند از طریق تولیدات هنری خود امرار معاش کند. اگر موارد استثناء و برخی هنرمندان خوش اقبال صرف‌نظر کنیم «کشیری از هنرمندان، شاید اکثر آنها، هیچ‌گاه پولی از کارشان در نمی‌آورند» (بکر، ۱۳۸۷، ۴۱۱). بنابراین شماری از هنرمندان از همان ابتدای ورود به بازار کار خواهان استخدام در مراکز دولتی یا خصوصی، که در آنها فعالیت‌های فرهنگی - هنری انجام می‌شود، هستند. از سوی دیگر، در قوانین استخدامی مراکز هنری و فرهنگی، اولویت با افرادی است که مدرک دانشگاهی بالاتری دارد. این امر به این معناست که هنرمندان با مدرک کارشناسی یا پایین‌تر به سختی می‌توانند در مراکز و مؤسسه‌های دولتی و خصوصی به‌ویژه دانشگاه‌ها مشغول به کار شوند. اگرچه در مورد برخی هنرمندان سرآمد و پیشگام با توجه به سابقه هنری آنها تدابیری اندیشیده شده است اما همچنان موانع بسیاری در مقابل افرادی که فاقد مدارک دانشگاهی بالا

در مقابل «مهارت محوری» یا «کارمحوری» مطرح است. مدرک دانشگاهی نقشی مهم و تعیین کننده در زندگی فردی و اجتماعی افراد ایفا کرده و اخذ مدرک به تنهایی نمادی از موفقیت، توانایی و اعتبار محسوب می شود. همان طور که نوروزی سید حسینی بیان می کند غلبه این گفتمان نه تنها به تقلیل ویژگی پژوهشگری در دانشجویان منجر می شود بلکه علاقه کم تری برای برای کنکاش و یادگیری بیشتر از خود نشان دهند (نوروزی سید حسینی، ۱۳۹۹، ۲۱۶).

ب) جهان بینی

جهان بینی اسلامی و ارزش های آن یکی دیگر از علت ها در لایه سوم است که در جامعه امروز ایران از طرق مختلفی چون مطبوعات، کتاب های درسی و رسانه های دیداری و شنیداری مانند برنامه های تلویزیونی و رادیو مورد تأکید قرار گرفته و به طور مستقیم و غیرمستقیم افراد را تحت تأثیر خود قرار می دهد. از جمله این ارزش ها می توان به «علم جویی» و «تعلیم و تعلم» اشاره کرد که همواره از جایگاه بالایی برخوردار بوده است. «در اسلام توجه زیادی به فراگیری علم و دانش شده است» (حسین زاده شانه چی و طحانی، ۱۳۹۲، ۱۵۳). از همان نخستین آیه هایی که بر پیامبر نازل شد اهمیت تعلیم و تعلم در جهان بینی اسلامی روشن می شود چرا که تأکید آن بر خواندن و نوشتن است^{۱۲}. ذکر «قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (بگو خداوند بر علم من بیفز) ^{۱۳} که در قنوت نمازهای یومیه خوانده می شود نیز نشان از اهمیت علم اندوزی در جهان بینی اسلامی دارد. در واقع «اسلام، دانش اندوزی را یک وظیفه تلقی کرده و این خود بدان معناست که مسلمانان موظف شده اند در طول حیات همواره به سوی کسب علم و دانش روند» (رحیمی راغب و قیوم، ۱۳۹۴، ۴۲). انجام این وظیفه آنقدر از اهمیت برخوردار است که در حدیثی از پیامبر (ص) در این زمینه آمده است که دانش را بجوئید حتی اگر در چین باشد. اما توجه به این نکته ضروری است که مفاهیم علم و دانش اندوزی بیشتر با رشته های پزشکی، مهندسی و علوم انسانی عجین بوده و هنر به واسطه ماهیت و ذات آن نوعی «فن» و «مهارت» تلقی می شود چرا که با خلاقیت، احساس و زیباشناسی سروکار دارد. بنابر این فراگیری جنبه های میان رشته ای در هنر مانند فلسفه هنر، جامعه شناسی هنر، نقد هنر و تاریخ هنر که در دروس دوره های تحصیلات تکمیلی در نظر گرفته شده به تلقی غالب از «علم جویی» در جامعه نزدیک تر است. از این رو، علم جویی برای فارغ التحصیلان هنر بیشتر به معنای تحصیل و تخصص در حوزه های میان رشته ای بوده که در دروس و واحدهای دوره های تحصیلات تکمیلی هنر عرضه می شود.

لایه چهارم: اسطوره و استعاره

الف) استعاره

پس از کشف استعاره ها، علاوه بر ارزش های اخلاقی و احساسی تنیده شده در آنها (بین لاریف، ۱۳۹۵، ۱۸۶) می توان زمینه های هنری، اقتصادی و فرهنگی مؤثر در شکل گیری و اثرگذاری آنها را بررسی کرد. «تشریف» نخستین استعاره مورد بحث در لایه چهارم است که در مورد علاقه مندانه و فعالان عرصه هنر که در زمینه دیگری به جز هنر دارای تحصیلات دانشگاهی هستند کاربرد دارد. فراگیری یک رشته هنری در مراکز دانشگاهی هم چون مجوزی است که به افراد، چنانچه تولید اثر هنری نداشته باشند نیز، مشروعیت عضویت در «جامعه هنری» را اعطا می کند.

علاقه به مهاجرت، دستیابی به گزینه های بهتر برای تشکیل خانواده، اجتناب از بیکاری و پر کردن وقت نیز از جمله دلایل گرایش هنرمندان به ادامه تحصیل است. همچنین تمایل به تحصیل در مقاطع بالاتر در خصوص برخی هنرمندان ممکن است تحقق «زندگی نزیسته والدین» آنها باشد چرا که علاقه والدین به هنر یا کسب مدارج علمی بالاتر اکنون از طریق موفقیت فرزندان محقق می شود.

د) عوامل هنری

شرط کنکور برای ورود به دانشگاه باعث می شود که برخی افراد به ناچار در رشته ای که چندان به آن علاقه ندارد به تحصیل بپردازند. شماری از دانشجویان هنری نیز پس از ورود به یک شاخه هنری و طی تحصیل متوجه عدم علاقه به رشته تحصیلی خود شده و مایل به تغییر رشته هستند. در سال های اخیر با افزایش تعداد دانشکده های هنری و توسعه تحصیلات تکمیلی امکان ادامه تحصیل در رشته مورد علاقه فراهم آمده و تغییر رشته در مقاطع بعدی برای دانشجویان در اکثر رشته ها منع قانونی ندارد. عدم توانایی یا علاقه به تولید آثار هنری نیز یکی دیگر از دلایل انتخاب ادامه تحصیل به عنوان راهکار برای فارغ التحصیلان هنر است. در برخی از رشته های کارشناسی ارشد و تمام رشته های دوره دکتری واحدهای و کارگاه های عملی در برنامه درسی آنها در نظر گرفته نمی شود. بنابر این دانشجویان می توانند به جای تولید آثار هنری، در زمینه مباحث نظری هنر مانند تاریخ هنر، نقد هنر، فلسفه هنر به تحصیل پرداخته و پس از فارغ التحصیلی نیز در زمینه های مدیریت، پژوهش و تدریس مشغول به کار شوند. برخی هنرمندان نیز چندان در شغل و حرفه خود موفق نبوده و تصور می کنند با ادامه تحصیل می توانند موقعیت ها و امکانات شغلی بهتری کسب کنند. در واقع عدم موفقیت در کسب شغل مناسب، تولید یا فروش آثار هنری نیز می تواند انگیزه دیگری برای ادامه تحصیل فارغ التحصیلان هنر باشد.

لایه سوم: جهان بینی و گفتمان

الف) گفتمان

ابتدا می توان تأثیر گفتمان «مدرنیته» در جامعه ایرانی اشاره کرد. «مدرنیته همراه با مفروضات زیربنایی و بن مایه های کلیدی و محوری خود یعنی پیشرفت در دانش، عقل، تکنولوژی، هنرها و اقتصاد [...] آغاز گردید» (نوذری، ۱۳۷۹، ۵۰۵). به عبارت دیگر یکی از شاخص های دوره مدرنیته «پیشرفت» بوده که در زمینه های مختلفی از جمله حوزه دانش و علم آموزی ظهور و بروز می یابد. در واقع، در جامعه امروز ایران کسب مدرک دانشگاهی بالاتر شکلی از موفقیت محسوب شده و نبود آن احساس عقب ماندن از قافله پیشرفت را در فرد ایجاد می کند. در این میان اگر کسب مدرک دانشگاهی بالاتر برای تولید اثر هنری امری ضروری و تأثیرگذار نباشد اما می تواند احساس خرسندی و هم طرازی با اطرافیان به ویژه دوستان، فامیل و حتی همسر تحصیل کرده را در فرد ایجاد کند. به بیان دیگر، رشد و گسترش تحصیلات تکمیلی و پدیده مدرک گرایی به عنوان نمادی از پیشرفت منجر به نوعی رقابت بین افراد به ویژه در سطح خانواده، فامیل و دوستان شده است.

حاکمیت گفتمان «مدرک گرایی» در جامعه معاصر ایران یکی دیگر از عوامل لایه سوم است. در این گفتمان، «مدرک گرایی» یا «مدرک محوری»

مباحث نظری به تحصیل در مقاطع بالاتر باشد.

ب) کهن‌الگو

«کهن‌الگوی روشنفکر ایرانی» را می‌توان از جمله عوامل مؤثری که دانشجویان هنر را به ادامه تحصیل سوق می‌دهد قلمداد کرد. نمود بارز این کهن‌الگو در شخصیت اصلی فیلم هامون (۱۳۶۸) بازنمایی شده است که «در اذهان بسیاری از اهالی هنر در کشور ما جایگاهی ماندگار و فراموش نشدنی به دست آورده است» (پاینده، ۱۳۹۵، ۸). از جمله علت‌های توجه و جذابیت این شخصیت در میان مخاطبان جدی هنر به‌ویژه دانشجویان رشته‌های هنر این است که «هامون تداعی‌هایی کهن‌الگویی در ضمیر ناخودآگاه مخاطبان بر می‌انگیزد. مهرجویی با خلق شخصیت هامون به شکل گیری آرکی تایپ روشنفکر ایرانی در ضمیر ناخودآگاه ما ایرانیان کمک شایانی کرد» (پاینده، ۱۳۹۵، ۸). از ویژگی‌های بارز این کهن‌الگو می‌توان به تسلط به مباحث و نظریه‌های مطرح معاصر، توانایی سخنوری و تحلیل اشاره کرد. تمرکز دوره‌های تحصیلات تکمیلی به‌ویژه دوره دکتری بر دروس نظری راهی برای پاسخ به تمایل و کشش ناخودآگاه و گاهی آگاهانه دانشجویان هنر به تجلی این کهن‌الگو در نهاد شماری از آنها است.

۲- تحلیل کمی

در این بخش از مقاله، عوامل دسته‌بندی شده در بخش کیفی به کمک ابزار پرسشنامه و در قالب طیف لیکرت با هدف وزن دهی و اولویت‌بندی آنها برای نظر سنجی به خبرگان ارائه شد. همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌گردد میزان آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۶۷ می‌باشد و چون بالاتر از ۰/۷ بوده، مورد تأیید است. به عبارت دیگر پایایی پرسشنامه مذکور با آلفای کرونباخ ۰/۹۶۷ مورد پذیرش است.

در ادامه، آزمون تی تک نمونه‌ای برای سنجش تأثیرگذاری شاخص‌های مطرح‌شده در پرسشنامه انجام پذیرفت. از آنجایی که در جدول (۲)، لایه‌های تحلیل و شاخص‌های هر یک مشخص شده‌اند در ادامه به بررسی تأثیر آن‌ها با استفاده از آزمون تی پرداخته و با توجه به میزان خطای مشاهده شده و حد بالا و پایین آزمون محاسبه می‌شود.

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، هر دو حد بالا و پایین منفی است و میزان خطا کم‌تر از ۰/۰۵ است بنابراین با اطمینان ۹۵٪ شاخص‌های لایه اول، دوم، سوم و چهارم بر گرایش فارغ‌التحصیلان به تحصیلات تکمیلی تأثیرگذار است. حال با توجه به متغیرهای تأثیرگذار به‌دست‌آمده، به رتبه‌بندی آن‌ها با استفاده از آزمون فریدمن پرداخته می‌شود.

همان‌گونه که در جدول خروجی آزمون فریدمن دیده می‌شود، آزمون فریدمن با توجه به مجذور کمی در خطای کم‌تر از ۰/۰۵ معنادار است و رتبه‌بندی شاخص‌ها به ترتیب به‌صورت زیر است:

جدول ۲- تحلیل علل گرایش فارغ‌التحصیلان هنر به تحصیلات تکمیلی براساس دیدگاه تحلیل لایه‌ای علت‌ها.

سنجه	لایه اول: لیتانی	
۱	افزایش تعداد دانشگاه‌ها، رشته‌های تحصیلات تکمیلی و پذیرش دانشجویان	سیاست‌ها و برنامه ریزی آموزش عالی
۲	همگانی شدن تحصیل در مقطع کارشناسی	
۳	ادامه تحصیل در رشته مورد علاقه	علاقه به کسب دانش و تخصص
۴	افزایش و کسب مهارت در زمینه پژوهش و تولیدات علمی	
۵	علاقه به مباحث نظری	

در مقابل، افرادی که با وجود فعالیت و تولید در زمینه هنر فاقد مدرک دانشگاهی در حوزه هنر هستند به‌صورت اقلیتی در حاشیه نگریسته شده و به توان و مهارت آنها با شک و تردید نگریسته می‌شود. بنابراین افراد مذکور به جای مسیر چهارساله کارشناسی می‌توانند با طی کردن دوره کارشناسی ارشد و حتی دکتری از امتیازات ویژه‌ای برخوردار شوند. به بیان دیگر، کارکرد دوره تحصیلات تکمیلی برای افراد مذکور هم‌چون مراسم «تشریف» می‌ماند که طی آن با انجام اعمالی به گروه یا فرقه‌ای می‌پیوندند. تحصیلات هنری نه تنها آنها را به عضویت جامعه هنری در آورده و به جایگاه هنری آنها اعتبار و مشروعیت می‌بخشد بلکه از مزایای شغلی و استخدامی نیز بهره‌مند می‌کند.

استعاره «آب‌باریکه» به مزایای اقتصادی تحصیلات تکمیلی مربوط شده و به معنای حقوق ثابت و مداوم است. این استعاره دلالت بر اندک‌بودن میزان دریافتی دارد اما دلالت ضمنی آن بر خطری آسوده نیز تعلق می‌گیرد چرا که این اطمینان و تضمین وجود دارد که حقوق متوسط مذکور دست کم در طول زمان استخدام فرد هر ماه پرداخت خواهد شد. همیشه این احتمال وجود دارد که هنرمند مستقل با تقاضای کافی برای کالا (اثر هنری) خود در بازار مواجه نشده و نتواند آثار خود را به فروش برساند. به عبارت دیگر، افرادی که بخواهند صرفاً به واسطه درآمد حاصل از فعالیت تمام وقت هنری معیشت و زندگی خود را اداره کنند شرایط دشواری را تجربه خواهند کرد. از این‌رو، بسیاری از هنرمندان در کنار تولید آثار هنری و کلاس‌های خصوصی آموزشی خود مایل‌اند که در یکی از مراکز آموزشی مانند دانشگاه یا آموزش و پرورش به‌عنوان مدرس یا در نهادها و مراکز دولتی برای انجام امور اداری یا کارهای هنری مورد نیاز آن سازمان مانند طراحی گرافیکی، ساخت فیلم‌های تبلیغاتی و عکاسی استخدام شوند. در این میان، تحصیلات تکمیلی می‌تواند عاملی مهم در استخدام تلقی شده و «دانش‌آموختگان در این مقطع با سهولت بیشتری می‌توانند جذب بازار کار شوند» (قانع‌راد و خسروخواهر، ۱۳۸۵، ۱۲۳). بنابراین تحصیلات تکمیلی نه تنها کلیدی برای استخدام و برخورداری از حقوق ثابت یا همان «آب‌باریک» شده بلکه امکان استفاده از مزایای بیمه و بازنشستگی را فراهم کرده و در نهایت ثبات اقتصادی و آرامش خاطر را برای آنها به ارمغان می‌آورد. همچنین می‌توان به «دیدگاه سنتی دانشجویان مبتنی بر استعاره استاد همه چیز را بهتر از ما می‌داند» (عنایت‌الله و میلیویه ویچ، ۱۳۹۵، ۶۳) اشاره کرد. معمولاً تصور غالب در جامعه این گونه است که برای آموزش باید به دانشگاه رفته و زیر نظر استاد دانش یا مهارت مورد نظر را فرا گرفت. این استعاره نه تنها در مورد فراگیری رشته‌های هنری می‌تواند در نظر گرفته شود بلکه به دلیل اندک‌بودن دروس نظری نسبت به واحدهای عملی و کارگاهی در دوره کارشناسی هنر نیز می‌تواند عاملی برای گرایش دانشجویان علاقه‌مند به

لایه دوم: دلایل اقتصادی، فرهنگی و هنری	
۶	استخدام در مراکز دولتی یا خصوصی
۷	موقعیت شغلی بهتر
۸	افزایش حقوق و مزایای شغلی
۹	شأن و منزلت اجتماعی بالاتر
۱۰	کسب توجه بیشتر در جامعه به عنوان یک هنرمند
۱۱	جلب تایید و توجه خانواده
۱۲	کمک به امکان مهاجرت
۱۳	دستیابی به گزینه های بهتر برای تشکیل خانواده
۱۴	اجتناب از بیکاری و پر کردن وقت
۱۵	زندگی نزیسته والدین
۱۶	عدم علاقه به رشته تحصیلی خود (تمایل به تغییر رشته در مقاطع بعدی)
۱۷	عدم توانایی یا علاقه به تولید آثار هنری
۱۸	عدم موفقیت در کار و حرفه هنری
لایه سوم: گفتمان و جهان بینی	
۱۹	شاخص «پیشرفت» در گفتمان مدرنیته
۲۰	گفتمان مدرک گرایی
۲۱	شاخص «علم جویی» در جهان بینی اسلامی
لایه چهارم: استعاره و استعاره	
۲۲	استعاره «تشریف»
۲۳	استعاره «آب باریکه»
۲۴	استعاره «استاد همه چیز را بهتر از ما می داند»
۲۵	کهن الگوی «روشنفکر ایرانی»

جدول ۳- محاسبه آلفای کرونباخ.

درصد	درجه آزادی	
۹۶/۷	۲۹	میزان اعتبار
۳/۳	۱	
۱۰۰/۰	۳۰	حجم نمونه

جدول ۴- سنجش عوامل تأثیرگذار براساس آزمون تی تک نمونه ای.

عوامل موثر	حد بالا	حد پایین	میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره آزمون
سیاست ها و برنامه ریزی آموزش عالی	-۹۵/۶۹۳۹	-۹۶/۳۷۲۸	-۹۶/۰۲۳۳۳	۰/۰۰۰	۲۹	-۵۷۸/۵۹۹
علاقه به کسب دانش و تخصص	-۹۶/۶۸۳۸	-۹۷/۵۱۶۲	-۹۷/۱۰۰۰۰	۰/۰۰۰	۲۹	-۴۷۷/۱۱۹
عوامل اقتصادی	-۹۵/۴۲۳۰	-۹۶/۰۶۵۸	-۹۵/۷۴۴۴۴	۰/۰۰۰	۲۹	-۶۰۹/۲۶۱
عوامل فرهنگی	-۹۵/۵۹۱۰	-۹۶/۲۵۳۴	-۹۵/۹۲۲۲۲	۰/۰۰۰	۲۹	-۵۹۲/۲۹۱
عوامل فردی و خانوادگی	-۹۶/۰۴۹۴	-۹۶/۹۳۴۰	-۹۶/۴۹۱۶۷	۰/۰۰۰	۲۹	-۴۴۶/۲۰۰
عوامل هنری	-۹۶/۰۰۹۸	-۹۶/۷۴۵۸	-۹۶/۳۷۷۷۸	۰/۰۰۰	۲۹	-۵۲۵/۶۷۰
گفتمان	-۹۵/۴۱۰۵	-۹۵/۸۲۲۸	-۹۵/۶۱۶۶۷	۰/۰۰۰	۲۹	-۹۴۸/۴۷۶
جهان بینی	-۹۷/۰۸۶۸	-۹۷/۹۷۹۸	-۹۷/۵۳۳۳۳	۰/۰۰۰	۲۹	-۴۴۶/۷۴۹
استعاره	-۹۵/۹۵۶۱	-۹۶/۶۸۸۴	-۹۶/۳۲۲۲۲	۰/۰۰۰	۲۹	-۵۳۸/۰۲۱
کهن الگو	-۹۵/۹۹۸۳	-۹۶/۸۶۸۴	-۹۶/۴۳۳۳۳	۰/۰۰۰	۲۹	-۴۵۳/۳۳۸

جدول ۷- رتبه‌بندی عوامل تأثیرگذار براساس آزمون فریدمن.

رتبه	عوامل موثر
۱	گفتمان
۲	عوامل اقتصادی
۳	عوامل فرهنگی
۴	سیاست‌ها و برنامه ریزی آموزش عالی
۵	کهن الگو
۶	استعاره
۷	عوامل هنری
۸	عوامل فردی و خانوادگی
۹	علاقه به کسب دانش و تخصص
۱۰	جهان بینی

جدول ۵ و ۶- سنجش عوامل تأثیرگذار براساس آزمون فریدمن.

عوامل موثر	میانگین رتبه
سیاست‌ها و برنامه ریزی آموزش عالی	۷/۱۵
علاقه به کسب دانش و تخصص	۲/۱۳
عوامل اقتصادی	۸/۴۲
عوامل فرهنگی	۷/۷۰
عوامل فردی و خانوادگی	۴/۴۲
عوامل هنری	۴/۸۳
گفتمان	۸/۷۸
جهان بینی	۵/۰۲
استعاره	۱/۴۳
کهن الگو	۵/۱۲

تعداد نمونه	مجدور کای	درجه آزادی	سطح معنی داری
۳۰	۲۱۴/۰۴۰	۹	۰/۰۰۰

نتیجه

«عوامل فرهنگی» که سومین رتبه از علل گرایش هنرمندان به کسب مدارک بالا را به خود اختصاص داده است ریشه در ماهیت رشته هنر و شأن اجتماعی آن دارد چراکه رشته‌های کاربردی هم‌چون پزشکی و مهندسی در دید عموم بیش از هنر دارای اعتبار اجتماعی است. از این‌رو، دوره‌های تحصیلات تکمیلی به‌ویژه دکتری نه تنها بر منزلت اجتماعی هنرمندان افزوده بلکه می‌تواند بخشی از خواست و انتظار خانواده متقاضیان که معمولاً با تحصیل آنها در رشته‌های هنری مخالفند را جبران کند. «سیاست‌ها و برنامه‌ریزی آموزش عالی» که امکان پذیرش بیشتر دانشجویان برای ادامه تحصیل را فراهم کرده در جایگاه چهارم قرار دارد. رتبه بعدی به «کهن الگو» اختصاص یافته است که نشان از تأثیر و همانندسازی ناخودآگاه و گاهی آگاهانه شماری از هنرمندان با «کهن‌الگوی روشنفکر ایرانی» و علاقه به مباحث نظری دارد.

ششمین رتبه به تأثیر استعاره‌ها، که زیرساخت گرایش هنرمندان به تحصیلات تکمیلی در مسائل آموزش هنر و اقتصاد هنر را شکل می‌دهد، اختصاص یافته است. استعاره «تشریف» در مورد آن دسته از متقاضیان تحصیلات تکمیلی صادق است که با وجود علاقه و فعالیت‌های هنری به دلیل عدم تحصیل در حوزه هنر در حاشیه جامعه هنری ایران قرار می‌گیرند. این افراد پس از اخذ مدرک از دانشکده‌های هنری هم‌چون فردی که مراحل و آزمون‌هایی را برای پیوستن به آیین یا فرقه‌ای خاص طی کرده است به‌عنوان عضوی از جامعه هنری پذیرفته می‌شوند. استعاره «آب‌باریکه» نیز به استخدام هنرمندان در مراکز دولتی و خصوصی اشاره دارد که تحصیل در دوره‌های تکمیلی و اخذ مدرک دانشگاهی از شروط آن است. چراکه عرصه خوداشتغالی برای هنرمندان چندان تضمین‌کننده معیشت آنها نبوده و بسیاری از آنها به دنبال حقوق ثابت و مداوم (آب‌باریکه) هستند. استعاره «استاد همه چیز را بهتر از ما می‌داند» نیز علاوه بر فراگیری عملی هنر، در مورد مباحث نظری نیز صادق بوده و عاملی برای جذب در مقاطع بالاتر تحصیلی محسوب می‌شود.

عامل هفتم به عوامل هنری اختصاص یافته است. عدم علاقه به شغل

توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی در چند دهه اخیر و عدم توازن رشد کیفی و کمی آن، انجام مطالعه و پژوهش در خصوص این پدیده را امری ضروری ساخته است. در این میان شناخت دلایل و انگیزه متقاضیان از جمله جنبه‌هایی است که می‌تواند در جهت بهبود کیفی توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی مورد توجه قرار گیرد. چراکه با توجه به تفاوت و کارکرد رشته‌ها، انگیزه‌های متقاضیان دوره‌های مذکور یکسان نخواهد بود. رشته هنر به دلیل ماهیت و ذات آن از نظر جنبه‌هایی چون واحدهای درسی، تولیدت علمی، اشتغال، جایگاه علمی و اجتماعی با سایر رشته‌های تخصصی متفاوت است. از این‌رو، در مقاله حاضر دلایل گرایش فارغ‌التحصیلان هنر به دوره‌های تحصیلات تکمیلی به کمک روش تحقیق آمیخته مورد مطالعه قرار گرفت. در روش کیفی، داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای استخراج شده و به کمک روش تحلیل مضمون و روش «تحلیل لایه‌ای علت‌ها» مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها در بخش کمی به کمک آزمون‌های تی و فریدمن، با هدف بررسی مؤثرترین عوامل، رتبه‌بندی شد.

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد عامل «گفتمان» در لایه سوم، که مشتمل بر دو گفتمان «مدرنیته» و «مدرک‌گرایی» می‌شود، مؤثرترین عامل در گرایش فارغ‌التحصیلان هنر به تحصیلات تکمیلی است. معیار «پیشرفت» از جمله ویژگی‌های عصر مدرن است که بخشی از معنای آن در دریافت مدرک خلاصه می‌شود. در رشته هنر نیز هم‌چون سایر رشته‌ها کسب مدارک دانشگاهی بالا نمادی از موفقیت و پیشرفت محسوب شده و گاهی ارزشی بالاتر از تولید آثار هنری، به‌عنوان هدف و کارکرد اصلی این رشته، را می‌یابد.

تأثیر «عوامل اقتصادی» به‌عنوان رتبه دوم نشان از اهمیت مسائل و مشکلات اقتصادی در حوزه هنر دارد. چرا که از دیدگاه اقتصادی همیشه این امکان وجود دارد که هنرمند مستقل نتواند با تولید آثار هنری امرار معاش کند. بنابراین کسب مدرک بالاتر نه تنها امکان استخدام آنها را تسهیل می‌کند بلکه عاملی مهم در کسب موقعیت شغلی بهتر است. تأثیر

ادامه تحصیلات دانشگاهی قرار دارد. اما از آنجا که هنر به واسطه ماهیت آن به‌عنوان ترکیبی از مهارت فنی و خلاقیت شناخته می‌شود، در حوزه‌های میان رشته‌ای به مفهوم پذیرفته شده غالب از علم و دانش در جامعه نزدیک‌تر است. بنابراین دو مفهوم هنر و علم جویی در شاخه‌های میان رشته‌ای هنر هم‌چون فلسفه هنر، جامعه‌شناسی هنر و تاریخ هنر که بخشی از دروس و مباحث دوره‌های تحصیلات تکمیلی را تشکیل می‌دهد مصداق پیدا می‌کند. در مجموع می‌توان چنین گفت که عامل «گفتمان» به‌عنوان رتبه اول در مقابل عوامل «کسب دانش و تخصص» و «جهان‌بینی» در مقام رتبه‌های نهم و دهم نشان‌دهنده عدم تحقق اهداف و ابعاد کیفی آموزش عالی در زمینه تحصیلات تکمیلی هنر با وجود توسعه کمی آن است. به عبارت دیگر اگر چه انتظار می‌رود متقاضیان به دلیل انگیزه‌هایی چون کسب دانش، مهارت و ارزش‌هایی چون تحقیق و پژوهش ادامه تحصیل دهند اما در واقعیت تحصیلات تکمیلی عاملی برای کسب مدرک در جهت اهداف اقتصادی و فرهنگی است.

و حرفه فعلی یا رشته تحصیلی می‌تواند انگیزه‌ای برای تغییر رشته و امید به شرایط بهتر باشد. همچنین، افرادی که به تولید آثار هنری علاقه نداشته یا در این زمینه موفقیتی کسب نکرده‌اند می‌توانند با تحصیل در مقاطع بالاتر در زمینه مباحث هنری و زیباشناختی آموزش دیده و در حوزه‌های مدیریت، پژوهش و تدریس مشغول به کار شوند. هشتمین عامل شامل انگیزه‌های فردی و خانوادگی هم‌چون علاقه به مهاجرت، دستیابی به گزینه‌های بهتر برای تشکیل خانواده، اجتناب از بیکاری و پر کردن وقت و «زندگی نریسته والدین» می‌شود. در جایگاه رتبه نهم، استقبال شماری از متقاضیان از تحصیل در مقاطع بالاتر به علاقه‌مندی آنها در «کسب دانش و تخصص» مربوط می‌شود که ریشه در انگیزه‌هایی چون ادامه تحصیل در رشته‌ای خاص، علاقه‌مندی به مباحث نظری و میان رشته‌ای و کسب مهارت‌های پژوهشی مربوط می‌شود که در دوره کارشناسی هنر کم‌تر به آنها پرداخته می‌شود. تأثیر و تبلیغ جهان‌بینی اسلامی در زمینه «علم‌جویی» به‌عنوان یک ارزش و وظیفه دینی در رتبه آخر در انگیزه هنرمندان به

پی‌نوشت‌ها

1. Causal Layered Analysis.
2. Sohail Inayatullah.
3. Ivna Milojevic.
4. Litany.
5. Social Causes.
6. Worldview.
7. Discourse.
8. Myth.
9. Metaphor.
10. Futures.
11. Howard S. Becker.

۱۲. سوره علق یا اقرآ، اولین سوره‌ای که بر پیامبر (ص) نازل شد.

۱۳. آیه ۴۱ سوره طاه.

فهرست منابع

- دیبا، فرید؛ قلی‌پور، آری، و پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۹۹)، تحلیل آینده‌پژوهانه مهاجرت معکوس نخبگان دانشگاهی، فصلنامه راهبرد، ۲۹ (۲)، صص ۱۱۳-۱۳۷.
- ذکایی، محمد سعید؛ اسماعیلی، محمدجواد (۱۳۹۰)، جوانان و بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۴ (۴)، صص ۵۵-۹۰.
- رحیمی راغب، مهین؛ بهادر (۱۳۹۴)، جایگاه علم و علم‌آموزی در اسلام، فصلنامه جندی‌شاپور، ۱ (۳)، صص ۴۰-۴۸.
- زراعت‌کیش، یوسف؛ کلهر، سینا (۱۳۹۷)، نگاهی بر گسترش دوره‌های تحصیلات تکمیلی در ایران (۱۳۸۵-۱۳۹۵)، دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قابل دسترس در: <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1077223>
- شالچی، وحید (۱۳۹۲)، «عطش منزلت» در جامعه ایرانی، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۴ (۲)، صص ۳۰-۵۶.
- صداقتی، عاطفه؛ دیبا، فرید؛ دانشپور، عبدالهادی، و بلالی اسکویی، آریتا (۱۳۹۸)، ارائه سناریوهای استعاره «خانه» در سبک نوین زندگی شهری مبتنی بر روش CLA، فصلنامه راهبرد، ۲۸ (۱)، صص ۸۷-۱۱۸.
- صمدی، لاله (۱۳۹۹)، تحلیل ضرورت‌های هم‌ترازسازی ارزش تولیدات علمی حوزه‌های تخصصی در علم‌سنجی و آسیب‌شناسی سنجش و ارزیابی همسان: مطالعه موردی حوزه هنر، فصلنامه ره یافت، ۳۰ (۷۷)، صص ۱-۲۴.
- صمدی، لاله؛ ناخدا، مریم؛ نوروزی چاکلی، عبدالرضا؛ اسدی، سعید (۱۳۹۷)، استناد و استناددهی در ارزیابی‌های حوزه هنری: مسائل و چالش‌ها؛ مطالعه موردی رشته نقاشی، فصلنامه مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، ۱۰ (۲۳)، صص ۷۷-۹۴.
- صمدی، لاله؛ ناخدا، مریم؛ نوروزی چاکلی، عبدالرضا؛ اسدی، سعید (۱۳۹۸)، چالش‌های آیین‌نامه ارتقاء اعضای هیأت علمی برای هم‌ترازسازی سنجش و ارزیابی بهره‌وری علمی پژوهشگران رشته موسیقی در ایران، پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۹ (۱)، صص ۵۹-۸۴.
- صمدی، لاله؛ ناخدا، مریم؛ نوروزی چاکلی، عبدالرضا؛ اسدی، سعید (۱۳۹۶)، مدل هم‌ترازسازی ارزیابی بهره‌وری پژوهشی پژوهشگران هنر و علوم پزشکی ایران با رویکرد همسانی: مطالعه موردی: رشته هنرهای نمایشی و آموزش بهداشت و ارتقاء سلامت، تحقیقات کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاهی، ۵۱ (۲)، صص ۱۰۳-۷۹.
- عنایت‌الله، سهیل (۱۳۹۵)، پرسش از آینده: روش‌ها و ابزارهای تحول سازمانی و اجتماعی، ترجمه مسعود منزوی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، (تاریخ اصل اثر: ۲۰۰۷).
- عنایت‌الله، سهیل؛ میلیوویچ، ایوانا (۱۳۹۵)، آینده پژوهی با روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها (مجموعه مقاله)، ترجمه مریم یوسفیان، علیرضا نصر اصفهانی، فاطمه عیوضی، محمد فراهانی و مهدی مبضری، جلد اول، تهران: شکیب، (تاریخ اصل

- اژدری، علیرضا؛ فریدی‌زاده، امیر مسعود، و کامه‌خوش، پارسا (۱۳۸۹)، به سوی راهکاری برای طراحی فرهنگ محور، فصلنامه هنرهای زیبا (هنرهای تجسمی)، ۲ (۴۲)، صص ۶۵-۵۷.
- بکر، هوارد (۱۳۸۷)، عرضه و فروش آثار هنری، در: مبانی جامعه‌شناسی هنر، گزیده، ترجمه و تألیف علی رامین، تهران: نشر نی.
- بلالی اسکویی، آریتا؛ حیدری ترکمانی، مینا، و دیبا، فرید (۱۳۹۸)، تحلیل لایه‌ای علت‌های تغییر مفهوم محله در ارتباط با حس تعلق و ارائه سناریوهای بدیل، فصلنامه دانش شهرسازی، ۳ (۳)، صص ۶۵-۸۱.
- بین لاریف، سالیو (۱۳۹۵)، استعاره و تحلیل لایه‌ای علت‌ها، در: آینده پژوهی با روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها (مجموعه مقاله)، عنایت‌الله، سهیل؛ میلیوویچ، ایوانا، ترجمه مریم یوسفیان، علیرضا نصر اصفهانی، فاطمه عیوضی، محمد فراهانی و مهدی مبضری، جلد اول، تهران: شکیب، ۱۷۳-۲۰۶، (تاریخ اصل اثر: ۲۰۱۵).
- پاینده، حسین (۱۳۹۵)، هامون، شخصیت کهن‌الگوی روشنفکر ایرانی، روزنامه اعتماد، ۸.
- حسین‌زاده شانه‌چی، غلامحسین؛ طحانی، آزاده (۱۳۹۲)، مقایسه ساختار و برنامه‌های مراکز آموزشی جهان اسلام (تا پایان قرن هفتم هجری) و اروپای قرون وسطی، فصلنامه تاریخ اسلام، ۱۴ (۴)، صص ۱۵۳-۱۸۲.
- خزایی، سعید؛ جلیلووند، محمدرضا؛ نصراللهی، وسطی، لیلا (۱۳۹۲)، بررسی نظری روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها در حوزه آینده‌پژوهی، فصلنامه مطالعات آینده‌پژوهی، ۲ (۶)، صص ۷۱-۱۰۲.
- خزایی، سعید؛ نصرتی، علیرضا، و تکلوی، فاطمه (۱۳۹۴)، واکاوی پدیده آواتاریسم با روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، فصلنامه چشم‌انداز مدیریت دولتی، ۶ (۱)، صص ۲۶-۴۱.

دکتری دانشگاه‌های تهران)، فصلنامه *مطالعات و تحقیقات اجتماعی ایران*، ۸ (۴)،
صص ۸۱۹-۸۴۶.
نظری، علی‌اشرف؛ صیادی، محمد (۱۳۹۹)، تحلیل لایه‌لایه علی و امکان
آینده‌پژوهی در حوزه امر سیاسی: کاربرست پسانساختارگرایی در فهم آینده، فصلنامه
سیاست‌گذاری عمومی، ۶ (۲)، صص ۲۱۱-۲۳۲.
نوذری، حسینعلی (۱۳۷۹)، *سورتمندی مدرنیته و پست‌مدرنیته: بسترهای
تکوین تاریخی و زمینه‌های تکامل اجتماعی*، تهران، انتشارات نقش جهان.
نوروزی سید حسینی، رسول (۱۳۹۹)، تحلیل تصویر ذهنی دانشجویان
کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی از ادامه تحصیل در مقطع دکتری (رویکردی
مبتنی بر تحلیل لایه‌ای علی)، فصلنامه *پژوهش در ورزش تربیتی*، ۸ (۲۱)، صص
۱۹۷-۲۲۲.

Inayatullah, Sohail. (1998). Causal layered Analysis: Poststructuralism as method. *Futures*, 30 (8), 815- 829.

اثر: ۲۰۱۵).

قانع‌راد، محمدمامین؛ خسروخواهر، فرهاد (۱۳۸۵)، نگاهی به عوام‌فرهنگی
افزایش ورود دختران به دانشگاه‌ها، فصلنامه *زن در توسعه و سیاست*، ۴ (۴)، صص
۱۱۵-۱۳۸.

کریمی، محمدرضا؛ پورکریمی، جواد؛ حاج خزیمه، مجتبی، و بابایی، محمدمهدی
(۱۳۹۷)، شناسایی و ارزیابی عوامل مؤثر بر تقاضای اجتماعی آموزش عالی (مورد
مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی پردیس دانشکده فنی دانشگاه تهران)، نامه
آموزش عالی، ۱۱ (۴۱)، صص ۳۵-۵۸.

لسان طوسی، فهیمه؛ مانیان، امیر؛ تقوی، مصطفی، و ذوالفقارزاده، محمد مهدی
(۱۳۹۹)، فضای سایبر و آینده هویت ملی: هشدارهای راهبردی برای امنیت ملی
با رویکرد تحلیل لایه‌ای علت‌ها، *دوفصلنامه آینده‌پژوهی/ایران*، ۵ (۱)، صص ۳۰۵-
۳۲۹.

مهدی‌زاده، منصور؛ هاشمی، سید ضیاء (۱۳۹۸)، تحلیل جامعه‌شناختی عوامل
مؤثر بر تقاضای اجتماعی برای تحصیل در مقطع دکتری (مورد مطالعه: دانشجویان

Reasons for the Tendency of Art Graduates towards Postgraduate Studies in Iran from the Perspective of Causal Layered Analysis

Fateme Shahroodi*

Assistant Professor, Department of Research of Art, Faculty of Art, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Received: 4 Sep 2021; Accepted: 30 Jul 2022)

The present article aims to analyze the reasons for the tendency of art graduates towards postgraduate studies from 2011 to 2021 using a mixed research method. Iran is one of the countries that has witnessed significant growth in the development of postgraduate courses in recent decades. In the field of art, this includes increasing number of universities, disciplines, admitting more students and increasing faculty enrollment in the two decades of the eighties and nineties, but this growth does not seem very desirable because there should be a necessary balance between quantitative and qualitative growth. This imbalance has made it necessary to conduct studies and research on postgraduate studies with the aim of better understanding and planning. Among these, recognizing the reasons and motivation of applicants is one of the aspects that can be considered in order to improve the quality of development of graduate courses. Because of the difference and function of the fields, the motivations of the applicants of the mentioned courses will not be the same. Due to its nature and essence, the field of art is different from other specialized fields in terms of aspects such as courses, scientific production and employment, scientific and social status. The theoretical framework of the research is based on the causal layered analysis method, founded in the nineties by Soheil Enayatullah, a Pakistani-born Australian academic, futures studies researcher and a professor at the Graduate Institute of Futures Studies at Tamkang University in Taipei. As such, an attempt has been made to answer the following question from the perspective of causal layered analysis: Considering the unique nature of the field of art, why art graduates are attracted to continue their education in this field. In this process, the effective factors were first extracted with the help of desk-based studies and content analysis method and then they were analyzed based on the "causal layered analysis" method in four layers of "litany", "social causes", "worldview/ discourse" and "myth/ metaphor". In the quantitative part, the obtained layers were measured with the aim of ranking the effective factors by means of a questionnaire and selecting a group of experts. Experts were selected from among people related to

postgraduate studies in the field of art in Tehran colleges, which included 30 department managers, professors, professor-student (doctoral degree) and Master's students. The results of the T-test and Friedman test show that the three primary factors affecting the tendency of art graduates to postgraduate studies include discourse (including the two discourses of modernity and credentialism), economic and cultural factors, respectively. Higher education policies and planning, archetypes, metaphors, artistic factors, individual and family factors, interest in acquiring knowledge and expertise, and finally the worldview factor ranked fourth to tenth. As a result, it can be said that obtaining a higher academic degree, which due to the nature of the field of art has affected the economic status and social status of artists, are stronger motivations than seeking science and research in the tendency of this group to graduate education.

Keywords

Art Field, Postgraduate Education, Causal layered Analysis, Sohail Inayatullah, Future Studies in Art.